

پیش بینی مسئولیت پذیری دانش آموزان بر اساس شیوه های تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی آنان

مهسا بسامی^۱، حسن امیری^۲

^۱ گروه مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار، گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش، پیش بینی مسئولیت پذیری دانش آموزان بر اساس شیوه های تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی آنان بود. این پژوهش از لحاظ ماهیت جز تحقیقات کاربردی و از لحاظ اجرا جز تحقیقات همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه والدین دانش آموزان مقطع ابتدایی ناحیه ۳ شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۱ بود. نمونه این پژوهش بر اساس روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای و بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۰ از والدین دانش آموزان انتخاب گردید. پرسشنامه های مورد استفاده این پژوهش تربیتی بامریند (۱۹۷۱)، انگیزش تحصیلی والراند (۱۹۹۸) و پیشرفت تحصیلی مورگان-جینکز (۱۹۹۹) بود. برای تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. یافته ها نشان داد بین شیوه تربیتی سهل گیرانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی سهل گیرانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری کمتری نیز برخوردار خواهند بود. بین شیوه تربیتی مقتدرانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی مقتدرانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری بیشتری برخوردار خواهند بود. بین شیوه تربیتی مستبدانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی مستبدانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری کمتری نیز برخوردار خواهند بود. متغیر پیشرفت تحصیلی با ضریب بتای ۰/۳۴، می تواند به طور مثبت و معنی داری مسئولیت پذیری در دانش آموزان را پیش بینی کند.

واژه های کلیدی: مسئولیت پذیری، شیوه های تربیتی والدین، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان

مقدمه

در جریان رشد انسان، سال های حساسی وجود دارد که تأثیر خود را در تمام مراحل زندگی بر جای می گذارد. سال های نوجوانی از مهمترین دوران های زندگی است. نوجوانی دوران گذار، با مشکلات، تعارض ها و بحران هایی همراه است. به علاوه امروزه تغییرات سریع علم و زیستی، فن آوری، امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زندگی نوجوانان را متأثر ساخته که منجر به ایجاد نیازهای متفاوت مخصوص این گروه سنی می گردد. از این رو دقت در بررسی و ارزیابی نیازهای سلامت گروه جمعیتی نوجوانان با توجه به طبیعت تکاملی، مشخصات ویژه و نیازهای خاصی که در این دوره از زندگی وجود دارد، بسیار مهم و حائز اهمیت است (شاه حسینی، رمضانخانی و علوی مجد، ۱۳۹۸). امروز جامعه در حال پیشرفت، نیازمند افرادی مسئول و خودکفا است و آموزش مسئولیت پذیری به کودکان و نوجوانان نیازمند جوی خاص در خانه و مدرسه است. بایستی شرایطی فراهم کرد تا کودکان و نوجوانان، ابزارهای نگرش و ارزشیابی پیدا کنند تا به کمک آنها بتوانند بهتر تصمیم گیری کنند. تصمیماتی که آنان را در این دنیای پیچیده به سوی زندگی بارور و رضایت بخش رهنمون کند. انسانهای امروز بیش از پیش نیازمند پذیرش مسئولیت برای زندگی و سرنوشت خود هستند و این امر میسر نمی شود مگر اینکه مبنای آموزش و پرورش آنها مبتنی بر افزایش درک کودکان و نوجوانان در مورد نقش خود آنها به تعیین سرنوشت و ساخت کیفیت زندگیشان باشد و برای رسیدن به این اهداف، سعی و کوشش و برنامه ریزی دقیق لازم است (سهیلی، ۱۳۹۷). موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدفیابی و توجه به رفع نیازهای فردی است بنابراین نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد و موفق دانست که پیشرفت تحصیلی افراد آن در مقاطع مختلف بیشترین و بالاترین رکمانشاه را داشته باشد. در این راستا نظریه های متعددی در زمینه تعلیم و تربیت به ظهور رسیده است. این نظریه ها هر یک از زاویه ای خاص به عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی نگریسته اند. بنابراین با توجه به پیشرفت تحصیلی در دنیای کنونی و با توجه به این امر که شکست تحصیلی عواقب جبران ناپذیری برای فرد، خانواده و جامعه در پی دارد. لازم است به این امر مهم توجه شود و با شناسایی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دید خانواده ها و مدارس را نسبت به این پدیده عملی تر کرد (کوتزی، ۲۰۲۰). خانواده محیط رشد است، اگر محیط خانواده در محیط راستی و درستی، امانت داری، ایمان، انضباط، صمیمیت، کار، کوشش، آزادی و فداکاری باشد کودک نیز به همین صفات خوگرفته و تربیت می شود. و اگر در محیط خانواده خیانت، نادرستی، دروغ، بغض و کینه توزی، ستیزه جویی، لجبازی و خشونت پرورش یافت فاسد و بد عمل می گردد. بدین ترتیب مهمترین سال های ابتدایی عمر است که تأثیر خانواده در آن از هر عامل دیگر بیشتر است لذا در خانواده پایه اخلاقی شخصیت فرد گذاشته می شود، رابطه پدر و مادر با یکدیگر و رابطه آنها با کودک فوق العاده دقیق و حساس است و اگر در آن دقت نشود نه تنها به شخصیت اخلاقی کودک لطمه می زند بلکه موجب مشکلات عاطفی مختلف بعدی او نیز می شود (وایت، کاشیما، برای و یورک، ۲۰۱۸).

یکی از عواملی که می تواند بر مسئولیت پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را افزایش دهد شیوه های تربیتی است. داشتن کودک شاد و سالم یکی از مهم ترین چالش ها و البته دستاوردهای والدین است. در حال حاضر بسیاری از والدین، تمرکز مناسبی بر روی فرزند پروری سالم همان طور که بر روی یک شغل متمرکز هستند، را ندارند. بسیاری از والدین ممکن است صرف نظر از تأثیر گذاری سبک های تربیتی، روش های فرزند پروری مشابه والدین خود داشته باشند. شیوه های تربیتی یکی از موضوعات تحقیقی در زمینه علوم اجتماعی است. متخصصین صرف نظر از سبک فرزند پروری شما یا سوالات و نگرانی های شما در مورد فرزند پروری، می توانند در پیشگیری در درگیری کودک شما به مشکلات رفتاری و بیماری های شایع

^۱Coetzee^۲White, Kashima, Bray & York

چاقی کمک کننده باشند. همچنین فرزند پروری موفق می تواند همدلی، صداقت، کنترل بر روی خود، اعتماد به نفس، مهربانی، همکاری و شاد بودن را در کودک تقویت نماید. فرزند پروری همچنین کنجکاوی فکری، انگیزه و میل به رسیدن را در کودک ارتقا می بخشد. یکی از اصول مهم دیگر در فرزند پروری والدین، هماهنگی فرزند پروری با رشد کودک است. کودک در حال رشد است، در نتیجه در نظر گرفتن این که افزایش سن چگونه رفتار کودک را تحت تاثیر قرار می دهد در فرزند پروری بسیار اهمیت دارد (مهرابی هنرمند، ۱۳۹۸). بروکس^۳ (۱۹۷۸) معتقد است که فرآیند تربیت شامل تغذیه، حفاظت و راهنمایی کودک در گستره تحولی او است. فرزند پروری فعالیتی پیچیده است و شامل بسیاری از رفتارهای اختصاصی می شود که هر یک از والدین به طور جداگانه و یا جلب مشارکت یکدیگر از این مهارت ها استفاده می کنند تا رفتار کودک خود را تحت تاثیر قرار دهند. شیوه تربیتی بیانگر تنوع های بهنجار در تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است بنابراین شیوه ها ابزاری برای توصیف تفاوت های بهنجار فرزند پروری بوده و با موضوع کنترل ارتباط تنگاتنگ دارند. اکثر پژوهشگران معتقدند که نقش اصلی والدین آموزش و کنترل است (آهنگر انزابی، ۱۳۹۶). کارهای پژوهشی که در این زمینه در داخل کشور انجام شده است. غلامی (۱۳۹۸) تحقیقی را به عنوان «اثر بخشی تکنیک های شیوه های تربیتی همسران جانبازان بر کاهش تنیدگی والدین همسران و کاهش مشکلات رفتاری فرزندان» انجام داد که تحلیل نتایج تحقیق نشان داد که شیوه مداخله گری همسران جانبازان در کاهش تنیدگی والدین، همسران جانبازان مؤثر بوده است، اما تکنیک های شیوه های تربیتی همسران جانبازان در کاهش مشکلات رفتاری کودکان جانبازان مؤثر نبوده است. همچنین نتایج مشخص کرد تکنیک های شیوه های تربیتی همسران جانبازان در قلمرو کودک و هم قلمرو والدین این افراد مؤثر است و نتایج تکنیک های شیوه های تربیتی همسران جانبازان را در کاهش مشکلات درونی سازی و هم مشکلات برونی سازی مؤثر معلوم کرد. قدم پور (۱۳۹۷) اثربخشی شیوه های تربیتی بر عملکرد خانواده، عملکرد و خشم دانش آموزان پرداخت و نشان داد که آموزش شناختی - رفتاری مبتنی بر پیشرفت تحصیلی، عملکرد خانواده و اهمال کاری دانش آموزان مؤثر بوده و منجر به بهبود پیشرفت تحصیلی و عملکرد خانواده و کاهش خشم در دانش آموزان اهمال کار شده است بنابراین می توان گفت که آموزش شیوه های تربیتی مبتنی به افزایش سلامت روان (عملکرد خانواده) منجر می شود و در کاهش از خشم نقشی مؤثر دارد. همچنین کارهای پژوهشی که در این زمینه در خارج از کشور انجام شده است. آسن^۴ (۲۰۱۸) در یک مطالعه تحقیقی، شیوه های تربیتی بر خشم، موفقیت تحصیلی و عملکرد خانواده تحصیلی ۱۰۷ دانشجوی طبقه پایین مورد بررسی قرار داد. آسن تاثیر شیوه های تربیتی را بر خشم، عملکرد خانواده تحصیلی و نمرات ترمی و موفقیت تحصیلی در دانشگاه شناسایی کرد. در این مطالعه پرسشنامه هایی که خشم، خود کارایی و پایداری عاطفی را اندازه گیری می کند قبل و بعد از مداخله به کار گرفته شده است. نتایج تحلیل داده ها هیچ تاثیر درمانی خاصی برای هیچ یک از متغیرها نشان نداده است یک اثر عمده بر عملکرد خانواده یافت شد که نشان دهنده کاهش در طول ترم بوده است. کینگ و همکاران (۲۰۱۸) تاثیر درمان شیوه های تربیتی بر سلامت روانی را مورد مطالعه قرار دادند و نشان دادند که توجه آگاهانه به حال در عملکرد عاطفی و رفتاری با افزایش ذهنی رفاه، کاهش روانی علائم و واکنش عاطفی، و بهبود مقررات رفتاری همراه بود. وایت، کاشیما، برای و یورک^۵ (۲۰۱۸) تاثیر تکنیک شیوه های تربیتی بر مهارت های روانی و اجتماعی دانشجویان را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند زمانی که افراد تحت فشار قرار می گیرند، باید از طریق مهارت

^۳ Brooks^۴Asen^۵Keng^۶White, Kashima, Bray & York

های روانی و اجتماعی مختلف سعی کنند تا اثر فشار را کاهش دهند. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، محقق بدنبال این مسئله است که آیا بین شیوه های تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی با مسئولیت پذیری دانش آموزان رابطه ای وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ ماهیت جز تحقیقات کاربردی و از لحاظ اجرا جز تحقیقات همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه والدین دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی ناحیه ۳ شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲ بود که تعداد آنها حدود ۳۱۰۰ نفر هستند. نمونه آماری ۳۵۰ نفر از والدین دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر کرمانشاه بر اساس نمونه گیری تصادفی خوشه ای و از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. برای این کار ابتدا از بین مدارس ابتدایی دوره اول ناحیه ۳ شهر کرمانشاه که تعداد آنها ۲۴ مدرسه بود ۲ مدرسه بصورت تصادفی انتخاب و تعداد ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شدند.

ابزارهای پژوهش:

در این پژوهش از سه پرسشنامه استاندارد شده استفاده شد.

(۱) **پرسشنامه شیوه های تربیتی بامریند:** این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والین که بر اساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های تربیتی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شود. این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی باز آزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. میزان پایایی این پرسشنامه به روش باز آزمایی ۰/۸۱، برای آزادگذاری، ۰/۸۵، برای استبدادی و ۰/۹۲، برای اقتدار منطقی پدران گزارش شده است. همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) او دارد. در این تست مادران آزمودنی ها با مطالعه هر ماده نظر خود را با علامت × برحسب یک مقیاس ۵ درجه ای مشخص می کنند که از صفر تا ۴ نمره گذاری می شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید.

(۲) **پیشرفت تحصیلی:** پرسشنامه پیشرفت دانش آموز مورگان-جینکز (جینکز و مورگان، ۱۹۹۹) گسترده ترین سیاهه ای است که از سطوح گزارش خود به عنوان یک متغیر وابسته استفاده می کند. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال و ۳ خرده مقیاس است: استعداد، کوشش و بافت. گویه های این پرسشنامه مشتمل بر استعداد، بافت و کوشش با استفاده از مقیاس لیکرت به صورت پاسخهای چهار گزینه ای شامل: کاملاً مخالفم، تا حدودی مخالفم، تا حدودی موافکمانشاه و کاملاً موافکمانشاه طراحی شده اند که به ترتیب دارای نمرات ۱، ۲، ۳ و ۴ می باشند. مورگان و جینکز (۱۹۹۹) ضریب پایایی پرسشنامه را ۰/۸۲ و ضریب پایایی هر یک از خرده مقیاسهای استعداد، کوشش و بافت را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۶ و ۰/۷۰ گزارش کرده اند. همچنین ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) این مقیاس در این پژوهش ۰/۸۰ بود. به منظور بررسی روایی پرسشنامه پیشرفت تحصیلی مورگان و جینکز از تحلیل عوامل بهره گرفتند. تحلیل عوامل، سه عامل اصلی را در مقیاس مورد تاکید قرار داد. اولین عامل گویه های مربوط به استعداد، دومین عامل با گویه های عامل بافتی و سومین عامل با گویه های عامل کوشش هماهنگ بودند. این محققان همبستگی گویه ها با نمره کل این پرسشنامه را در سطحی مطلوب و معنادار گزارش کرده اند. از آنجا که برای این پرسشنامه نقطه برش تعیین نشده است، با توجه به پژوهشهای صورت گرفته قبلی و همچنین مشورت با متخصصان در این پژوهش مقیاس پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به سه طیف (پیشرفت تحصیلی کم، جهت گیری تحصیلی متوسط و جهت گیری تحصیلی زیاد) تقسیم بندی شد. به طوری که نمرات ۳۰ تا ۶۰ نشان دهنده پیشرفت تحصیلی کم، نمرات ۶۱ تا ۹۰ معرف جهت گیری تحصیلی متوسط و نمرات ۹۱ تا ۱۲۰ نشان دهنده پیشرفت تحصیلی زیاد است.

۳) پرسشنامه سنجش مسئولیت پذیری: برای سنجش مسئولیت پذیری از خرده مقیاس سنجش مسئولیت پذیری گرفته شده از پرسشنامه روان شناختی کایفرنیا استفاده گردید. تعداد ۴۲ سوال مربوط به مقیاس مسئولیت پذیری از میان ۴۶۲ سوال پرسشنامه اصلی استخراج شده و مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه ی یاده شده نخستین بار به وسیله هاریسون گاف در سال ۱۹۹۹ مقیاس های آن به ۱۸ و بار دیگر در سال ۱۹۸۷ به وسیله وی مورد تجدیدنظر قرار گرفت و تعداد سوال های آن به ۱۶۲ افزایش یافت. مقیاس سنجش مسئولیت پذیری ۴۲ سوالی، به منظور سنجش ویژگی هایی از قبیل وظیفه شناسی، احساس تعهد، سخت گویی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات، منطق و احساس مسئولیت مورد استفاده قرار گرفت (مارنات، ۲۰۰۳، ترجمه نیکخوا، ۱۳۸۵). دامنه نمرات آزمون بین ۴۲ تا ۲۱۰ بود. ضرایب پایایی مقیاس بخش مسئولیت پذیری در پژوهش (موسوی ۱۳۷۷) برابر ۰/۷۰، در پژوهش (رضایی، ۱۳۷۷) ۰/۶۵ و در پژوهش (محمودی، ۱۳۸۳) ۰/۶۴ بدست آمده است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه مسئولیت پذیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۶، که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده می باشد.

یافته ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای شیوه های تربیتی (سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه) با مسئولیت پذیری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
شیوه تربیتی سهل گیرانه	۲۶/۷۱	۶/۳۸	۳۵۰
شیوه تربیتی مقتدرانه	۳۷/۵۶	۷/۵۷	۳۵۰
شیوه تربیتی مستبدانه	۱۹/۶۸	۵/۴۷	۳۵۰
پیشرفت تحصیلی	۷۴/۱۴	۱۴/۹۱	۳۵۰
مسئولیت پذیری	۴۳/۸۶	۸/۹۳	۳۵۰

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای شیوه های تربیتی (سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه) با مسئولیت پذیری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان را نشان می دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف در مورد پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای تحقیق

نرمال بودن توزیع نمرات	Z	کولموگروف	سطح معنی
		اسمیرنوف	داری
پیشرفت تحصیلی	۱/۲۸		۰/۰۷۴
شیوه تربیتی سهل گیرانه	۱/۱۷		۰/۱۲۷
شیوه تربیتی مقتدرانه	۱/۰۵		۰/۲۱۶
شیوه تربیتی مستبدانه	۱/۲۷		۰/۰۷۶
مسئولیت پذیری	۰/۹۲۱		۰/۳۶۴

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود سطح معنی داری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف از مقدار ۰/۰۵ بیشتر است، لذا پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها رعایت شده است. پس از بررسی پیش فرض های تحلیل رگرسیون، فرضیه های زیر مورد بررسی قرار گرفت

جدول ۳. ضرایب همبستگی ساده بین شیوه های تربیتی با مسئولیت پذیری در دانش آموزان

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	شاخص آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
مسئولیت پذیری	شیوه تربیتی سهل گیرانه		-۰/۲۴	۰/۰۳۱	۳۵۰
	شیوه تربیتی استبدادی		-۰/۴۶	۰/۰۰۰۱	
	شیوه تربیتی مقتدرانه		۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	

همان طوری که در جدول ۳ نشان داده شده است بین شیوه تربیتی سهل گیرانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۳۱$ و $r = -۰/۲۴$). به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی سهل گیرانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری کمتری نیز برخوردار خواهند بود. بین شیوه تربیتی مقتدرانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۴۲$). به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی مقتدرانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری بیشتری برخوردار خواهند بود. بین شیوه تربیتی مستبدانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۴۲$ و $r = -۰/۴۶$). به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی مستبدانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری کمتری نیز برخوردار خواهند بود.

جدول ۴. ضرایب همبستگی ساده بین شیوه های تربیتی با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	شاخص آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
مسئولیت پذیری	پیشرفت تحصیلی		۰/۵۶	۰/۰۰۰۱	

همان طوری که در جدول ۴ نشان داده شده است بین پیشرفت تحصیلی با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۵۶$). به عبارت دیگر، هر چه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بیشتری باشد از مسئولیت پذیری بیشتری برخوردار خواهند بود.

جدول ۵ ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش بین شیوه های تربیتی (سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه) والدین پیشرفت تحصیلی با مسئولیت پذیری در دانش آموزان با روش ورود همزمان و مرحله ای

متغیرهای پیش بین	R	R ²	F	p=	β	t	p=	نوع ورود
شیوه تربیتی سهل گیرانه					-۰/۲۸	-۵/۴۸	۰/۰۰۰۱	«ورود»
شیوه تربیتی استبدادی	۰/۵۹	۰/۳۴	۱۴/۸۳	۰/۰۰۰۱	-۰/۳۱	-۷/۳۹	۰/۰۰۰۱	
شیوه تربیتی مقتدرانه					۰/۳۴	۸/۸۸	۰/۰۰۰۱	
۱ - شیوه تربیتی مقتدرانه	۰/۵۱	۰/۲۶	۲۳/۸۸	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱	۶/۳۴	۰/۰۰۰۱	«مرحله ای»
۲ - شیوه تربیتی استبدادی	۰/۵۴	۰/۲۹	۲۶/۶۵	۰/۰۰۰۱	-۰/۴۵	-۸/۱۱	۰/۰۰۰۱	
					-۰/۳۷	-۴/۹۶	۰/۰۰۰۱	
					-۰/۳۹	-۵/۸۸	۰/۰۰۰۱	
۳ - شیوه تربیتی سهل گیرانه	۰/۵۹	۰/۳۴	۳۲/۵۱	۰/۰۰۰۱	-۰/۳۶	-۵/۳۸	۰/۰۰۰۱	
					-۰/۳۲	-۴/۳۱	۰/۰۰۰۱	

همان طوری که در جدول ۵ ارائه شده است، رگرسیون پیش بینی با مسئولیت پذیری در دانش آموزان از روی متغیرهای شیوه های تربیتی (سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه) والدین معنی دار می باشد ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $F = ۱۴/۸۳$). متغیر شیوه تربیتی مقتدرانه با ضریب بتای ۰/۳۴، می توانند به طور مثبت و معنی دار و متغیر شیوه تربیتی استبدادی با ضریب بتای ۰/۳۱ و متغیر شیوه تربیتی سهل گیرانه با ضریب بتای ۰/۲۸ می توانند به طور منفی و معنی داری مسئولیت پذیری در دانش آموزان را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار R^2 نشان می دهد ۳۴٪ از واریانس مسئولیت پذیری در دانش آموزان توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد بین شیوه تربیتی سهل گیرانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی سهل گیرانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری کمتری نیز برخوردار خواهند بود. بین شیوه تربیتی مقتدرانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی مقتدرانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری بیشتری برخوردار خواهند بود. بین شیوه تربیتی مستبدانه والدین با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین شیوه تربیتی مستبدانه بیشتری داشته باشند دانش آموزان از میزان مسئولیت پذیری کمتری نیز برخوردار خواهند بود. در تبیین این نتیجه می توان گفت که برای ایجاد مسئولیت پذیری در کودک و نوجوان بایستی وظیفه ای به آنان واگذار کرد تا آن را تجربه کرده و اشتباه های خود را در حین آن متوجه شوند و باید خاطرنشان کرد بیشترین میزان اعتماد به نفس در نوجوانان و جوانانی دیده می شود که والدین آنها توجه و علاقه مندی بیشتری به عقاید و فعالیت های فرزندانشان نشان داده و آنها را تشویق کرده تا رفتاری استقلال طلبانه داشته باشند و در امور

زندگی خانوادگی فعالانه شرکت کنند. فردیت یکی از اصول سازمان دهنده رشد انسان و شامل کوشش مستمر شخص برای شناخت خود و هویت خود در ارتباط با سایر افراد است. برای آن که فرد بتواند از دوره کودکی به دوره بزرگسالی برسد نیازمند برعهده گرفتن درجه معینی از مسئولیت ها و وظیفه ها است تا از خودمختاری و استقلال در جامعه برخوردار شود. نوجوان و جوانی که استقلال ندارد نمی تواند رابطه رضایت بخشی را با همسالان خود ایجاد کند و از پس وظایف خود برآید. روانشناسان بر این باورند اگر والدین به فرزندشان مسئولیتی واگذار می کنند باید متناسب با سن، توانایی و استعداد او باشد چون اگر وظیفه ای که به فرد محول می شود مقتضای توانایی او نباشد، از عهده آن کار به خوبی برنیامده و از آن گریزان خواهد شد. از سوی دیگر مسئولیتی که به فرزند داده می شود نباید جنبه زور و اجبار داشته باشد چون موجب صدمه جسمی و روحی وی خواهد شد. به عنوان نمونه وقتی والدین به فرزندشان می گویند فلان کار را انجام بده و فرزند می پرسد چرا؟ می گویند چون من می گویم و توضیحی برای آن کار ارائه نمی دهند. نوع مسئولیتی که به کودک داده می شود باید زود به نتیجه برسد چون در مراحل اولیه واگذاری مسئولیت به کودک یا نوجوان باید وظایفی از سوی خانواده به آنان محول شود تا شخص از آن لذت برده و برای او خسته کننده نشود، از سوی دیگر چنانچه مسئولیت های واگذار شده به نوجوان تمام وقت او را پر کند و فرصتی برای کارهای دیگر نداشته باشد خیلی زود از آن دلسرد و دل زده خواهد شد. جامعه شناسان معتقدند یکی از راههای مهم ایجاد مسئولیت پذیری در نوجوان و جوان درونی کردن آن در ذهن فرد است. شخص اگر انجام وظیفه را جزیی از خود بداند، بدون این که کسی را ناظر بر اعمال خود بداند آن را انجام می دهد نه از روی ترس والدین، معلم و دیگران. برای این کار لازم است والدین از کودکی مسئولیت های مربوط به هر سن را به شخص القاء کنند. باید خاطرنشان کرد مدرسه یکی از عوامل مهم ایجاد احساس مسئولیت در فرد است. والدین دارای شیوه تربیتی سهل گیرانه، با فرزندان خود گرم و با محبت هستند و تنبیه کمی را برای آنان اعمال می کنند و خواسته های کمی از فرزندان خود دارند. آنها فرزندان خود را رها می کنند تا رفتار خود را تنظیم کنند. فرزندان این والدین، خود اعتمادی و خود کنترلی کمی دارند و فاقد استقلال و مسئولیت پذیری اجتماعی هستند رفتار این والدین بیشتر پذیرنده، مثبت و غیر تنبیهی است. آنها با فرزندان خود در باره تصمیم گیری مشورت می کنند و در مورد قوانین خانوادگی به آنها توضیح می دهند. آنها خودشان را به عنوان منبعی برای فرزندانشان می دانند و به فرزندانشان اجازه می دهند تا خودشان در حد امکان فعالیت های خود را تنظیم کنند و از اعمال قدرت پرهیز می کنند و آنها را به اطاعت از معیارهای تعیین شده توسط محیط بیرونی تشویق نمی کنند. در این شیوه فرزند پروری والدین ممنوعیت و محدودیت اندکی برای فرزندان خود قائل می شوند و بیش از حد پاسخ گو بوده و والدینی بدون خواسته و بدون کنترل و نسبتاً گرم هستند آنها خود مختاری فرزندانشان را تشویق می کنند و آنها را قادر می سازند تا خودشان تصمیم بگیرند و فعالیت های خود را تنظیم نمایند و به این مساله که از دید فرزندانشان تصمیم بگیرند و فعالیت های خود را تنظیم نمایند و به این مساله که از دید فرزندانشان مظهر اقتدار باشند (مارسیل، ۲۰۰۶). این والدین اغلب اجازه می دهد که فرزندانشان هر کاری می خواهند انجام دهند یعنی هر وقت میل دارند غذا بخورند یا به رختخواب بروند (برجلی، ۱۳۹۵). چون معتقدند ترکیبی از حمایت و تامین نیازهای فرزند و نداشتن محدودیت باعث می شود تا فرزند خلاق و با اعتماد شود در نتیجه فرزندان نمی توانند رفتار خود را کنترل کنند چرا که این والدین به رشد همه جانبه فرزند توجه ندارد. این فرزندان مهارت های اجتماعی ضعیف و عزت نفس تقریباً پایینی دارند و اغلب خودخواه، وابسته، بی مسئولیت، لوس، بی ادب، بی توجه به نیازهای دیگران و ضد اجتماعی هستند (دویری^۷ و منشار^۸، ۲۰۰۶). رفتارهای نسنجیده از خود بروز می دهند و پیشرفت تحصیلی ناچیزی دارند و متکی به بزرگسالان هستند علاوه بر این مستعد بدرفتاری هستند و ممکن است احساس کنند که هر چیز دست یافتنی است به طوری که این روش فرزند پروری با خلاقیت و پرخاشگری همبستگی دارد و سازگاری و اعتماد به نفس در فرزندان ضعیف است. در میان نوجوانان پسر عرب این روش با حرمت خود پایین، اضطراب، افسردگی و اختلالات رفتاری رابطه داشت (دویری، ۲۰۰۶). نتیجه

^۷Dwairy, M.^۸Menshar, K. E.

بدست آمده در پژوهش حاضر احتمالاً بدلیل جنسیت مؤنث، و قرار داشتن آنها در دوره نوجوانی بوده است، زیرا دختران بطور کلی احساس نیاز بیشتری به توجه و مراقبت از سوی والدین دارند، و در صورتی که چنین مراقبتی را حتی به شکل بدون محدودیت دریافت کنند، خودارزشمندی آنها را تقویت می کند.

همچنین والدینی که از شیوه تربیتی دموکراتی یا اقتدارمنطقی استفاده می کنند کوشش می کنند تا فعالیت های فرزندان را در یک روش منطقی و مطلوب جهت دهند. آنها کودکان را به استقلال تشویق می کنند اما برای فعالیت هایشان کنترل و محدودیت هایی را قرار می دهند. روش کلامی آنها حالت «بده بستان» دارد و والدین به این صورت با آنها گرم بوده و حالتی مهربان دارند. آنها از فرزندان حمایت می کنند و به آنها مسئولیت های اجتماعی می دهند. آنها از فرزندان رفتار پخته را انتظار دارند، اما در عین حال حقوق آنها را به رسمیت می شناسند. همچنین به آنها در بعضی از موارد استقلال می دهند و در مورد خواسته ها و قوانین، برای آنها دلیل می آورند. آنها در مورد عقاید فرزندان پاسخگو بوده و در تصمیم گیری های خانوادگی آنها را شرکت می دهند. در نتیجه فرزندان این والدین برعکس فرزندان والدین استبدادی، فرا می گیرند.

به اعتقاد دسجاردینز^۱ و دیگران، (۲۰۰۸) والدین دارای شیوه تربیتی مقتدرانه در محور پاسخ گویی و در محور توقع نمرات بالایی دارند و بین میزان پاسخ دهی و میزان کنترل و توقع آنها، تعدیل وجود دارد. آنها بر کنترل خود در مورد فرزند و اطاعت او تمرکز داشته اما خود مختاری فرزند را محدود نکرده و حتی فرزند را به استقلال تشویق می کنند اما برای آنها محدودیت هایی هم قائل می شوند و خودشان رفتار مناسب را برای آنها مشخص می کنند. به طوریکه والدین محدودیتها را به روشهای مختلفی مانند استدلال، گفتگوی دو طرفه تقویت های مثبت اعمال می کنند. همزمان با این کار نسبت به فرزندان خود ابراز صمیمیت و مهربانی می کنند، به نقطه نظرات آنها با حوصله گوش می دهند و آنها را به شرکت در تصمیم گیری خانوادگی تشویق می کنند. در مجموع شیوه تربیتی مقتدرانه یک روی آورد آزاد منبسط و منطقی است که هم حقوق والدین و فرزندان را مشخص می کنند و هم برای آنها احترام قائل است (برجلی، ۱۳۹۵). هر یک از انواع شیوه های فرزند پروری اثرات مختلفی بر رفتارهای فرزندان دارد بطوری که فرزند دارای والدین مقتدر نسبت به سایر فرزندان نتایج و رفتارهای اجتماعی و هیجانی و تحصیلی بهتر و عزت نفس بالاتری دارند (بوری، ۲۰۰۷). همچنین متکی به خود، خودکنترل گر، ایمن، مردمی و کنجکاو بوده و از حرمت خود بالایی برخوردارند، چون آنها محدود نبوده و اجازه دارند در رفتار خود تا اندازه معقولی آزادی داشته باشند این چنین فرزندان افرادی مستقل، اجتماعی و با جرات، هدفمند و جویای موفقیت هستند و از خود صمیمیت، خلاقیت، اصالت، سازندگی، اعتماد به نفس و کنجکاوی خاصی را نشان می دهند. آنها دارای بالاترین سطح عزت نفس و سازگاری بوده میزان بالایی از خود مختاری و استقلال را نشان می دهند. این فرزندان احساس مثبت از تواناییهای خود دارند و کمتر مستعد احساس افسردگی و اضطراب هستند. (هیون و سیاروچی، ۲۰۰۶). بامریند (۱۹۹۱) فرزندان والدین مقتدر را رشد یافته تر از سایر فرزندان یافت، آنها بشاش، مسئولیت پذیر، دارای حرمت خود بالا، پیشرفت گرا، مشارکت جو با همسالان و بزرگسالان بودند. نتایج تحقیقات کوردک^۲ و فاین^۳ (۲۰۰۴)، برودی^۴ و شفر (۲۰۰۵) و مک دونالد^۵ (۲۰۰۶)، نیز این یافته

^۱Desjardins, J.

^۲Hearen, P.C. L.

^۳Ciarroshi, J.

^۴Kurdek

^۵Fine

^۶Brody & Shaffer, D. R. F.

ها را تأیید کرد و نشان داد که شیوه مقتدرانه اثر بخش ترین روش است (ویسی، ۱۳۹۸). والدین مقتدر یک حس علاقه پایدار به فرزند خود منتقل می کنند که فرزند را علاقه‌مند می کند تا طبق راهنمایی‌های والدین خود رفتار کند، از طرفی این خواسته های و انتظارات والدین دقیقاً با توانایی فرزند هماهنگ است و به فرزند تا حدی آزادی می دهد که برای چگونگی برآوردن انتظارات تصمیم گیری کند (شفر، ۲۰۰۵).

نتایج نشان داد بین پیشرفت تحصیلی با مسئولیت پذیری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بیشتری باشد از مسئولیت پذیری بیشتری برخوردار خواهند بود. در تبیین این نتیجه می توان گفت که یکی از ویژگی هایی که در جامعه ی ما معمولاً به آن توجه می شود، انگیزه است که تأثیر بسزایی در موفقیت افراد دارد که باعث تلاش فرد و رسیدن به اهداف مثبت در زندگی می شود. بنابراین کسی که از این ویژگی برخوردار است بدون توجه به تیپ های زمانی و مکانی تلاش خود را در همه ی زمینه ها توسعه می دهد. زندگی تحصیلی، یکی از مهمترین ابعاد زندگی اشخاص است که بر سایر ابعاد زندگی تأثیر فراوان دارد. در این بین یکی از مسایل و مشکلات اساسی زندگی تحصیلی افراد و نظام آموزشی هر کشور، مساله ی افت تحصیلی و پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی دانش آموزان آن کشور است. این پدیده، علاوه بر زیانهای هنگفت اقتصادی، سلامت روانی فراگیرندگان را مخدوش می نماید. برخی از دانش آموزان به سرعت پاسخ دهی در انجام تکالیف اهمیت می دهند. دسته دیگر به صحت و دقت پاسخ اهمیت می دهند و چندان توجهی به سرعت در پاسخ دهی ندارند. بنابراین بیشتر اوقات در حال مطالعه هستند، تعدادی از دانش آموزان تند، سریع و بدون معطلی و بدون صرف وقت زیاد یک مساله را حل می کنند چون که آنان با اولین جوابی که به ذهنشان می رسد پاسخ می دهند. بنابراین بیشتر مرتکب خطا و اشتباه می شوند در مقابل برخی از دانش آموزان تکالیف را به آرامی و دقت ارزیابی می کنند و به جزئیات کارها نیز توجه می نمایند و با تأخیر و وقت زیاد به مسائل جواب می دهند و کمتر مرتکب خطا و اشتباه می شوند. ادراک و به خاطر سپاری دانش آموزان در مورد مطالبی که قصد یادگیری آنان را دارند متفاوت می باشد، برخی از آنان در مقابل نقطه نظرات جدید و متفاوت از خود انعطاف پذیری نشان می دهند و در مقابل برخی از خود مقاومت نشان می دهند و در برابر راهکارهای جدید از خودشان انعطاف پذیری نشان می دهند. عده دیگر از دانش آموزان فقط به حفظ مطالب علمی می پردازند و عده دیگر توانایی برگرداندن نوشته های علمی را به زبان خود و جملات دیگری از خود نشان می دهند، تعدادی از آنان توان یادگیری و درک مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آنها را دارند و در مقابل تعدادی فاقد این توانایی می باشند (جعفری، ۱۳۹۹).

واگذاری مسئولیت به فرزندان و شرکت دادن آنان در دوره نوجوانی در بده بستان های اجتماعی برای تسهیل رشد انسانی و ورود به دوره جوانی و بزرگسالی ضرورتی انکار ناپذیر است. کارکردن نیاز هر انسان سالم و درمان گر احساسی نگری و خیال پردازی نوجوانان است. نوجوانی که به دنیای کار وارد می شود؛ فشارهای ناشی از هیجانات نوجوانی را بهتر تحمل کرده و رشد اجتماعی، فکری و عاطفی وی تسریع می شود، مهمتر این که به نوجوانان فرصت داده می شود، ایده های خود را در جریان کار به مرحله آزمایش گذاشته و از این راه رشد خود را به تدریج گسترش دهد، طرح مناسبی برای ایفای نقش های شغلی و اجتماعی خود ریخته و برنامه زندگی خویش را تعیین کنند. محققین معتقدند اگر همه افراد به مسئولیت های خود عمل کنند و خود را متعهد به انجام آن بدانند جامعه با پیشرفت بیشتری روبه رو بوده و از بسیاری جرم و جنایت ها کاسته خواهد شد. در این میان خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد از بدو تولد بسیاری ابعاد شخصیتی خود را از آن می گیرد، نقش مهمی در ایجاد مسئولیت پذیری افراد دارد. در یک سال اول تولد می بایستی سرویس بی قید و شرط به کودک داده شود اما پس از آن یعنی از یک سالگی به بعد بایستی کم کم برخی کارها را به خود کودک واگذار کرد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی های خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط

^۱Maacdonald, M.

و امکانات لازم و موثر در جهت تحصیلی موفق و هدف های پیشرفت است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در عملکرد خانواده دانش آموزان دخیل دانسته اند. اما با توجه به تفاوت های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می گذارند. منابع موجود نشان می دهد که آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزش گر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی هایی است که می توانند در هدف های پیشرفت و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند.

بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، موفقیت تحصیلی می باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی شود مگر اینکه افراد خلاق تربیت شده باشند، هدف های پیشرفت ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور موثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود. دانش آموزان که از موقعیتهای تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده ی احترام به آنان می نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار اینها از هزینه های گزافی که از افت تحصیلی برآموزش و پرورش و آموزش عالی تحمیل می شود، کاسته خواهند شد. دستیابی به بهره وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می توان اثر گذار ترین عامل در توسعه کشور ها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد.

نتایج نشان داد، رگرسیون پیش بینی با مسئولیت پذیری در دانش آموزان از روی متغیرهای شیوه های تربیتی (سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه) معنی دار می باشد. متغیر شیوه تربیتی مقتدرانه با ضریب بتای ۰/۳۴، می تواند به طور مثبت و معنی دار و متغیر شیوه تربیتی استبدادی با ضریب بتای ۰/۳۱ و متغیر شیوه تربیتی سهل گیرانه با ضریب بتای ۰/۲۸ می تواند به طور منفی و معنی داری مسئولیت پذیری در دانش آموزان را پیش بینی کنند. در تبیین نتایج این نتیجه میتوان گفت که از آنجا که والدین مقتدر، کنترل کننده و حمایت کننده هستند و با گرمی و پذیرش نسبت به روابط با فرزند همراه با تشویق مثبت برخورد می کنند در این روش تربیتی فرزندان دارای بهترین سازگاری بودند و میزان بالایی از خود مختاری و استقلال و عزت نفس را نشان دادند. در این راستا در هنگ کنگ هم یافته ها نشان داد که روش مقتدرانه با خود مختاری نوجوانان رابطه دارد فرزندان که دارای والدینی مقتدر هستند مشکلات روان شاختی و رفتاری کمتری از خود نشان می دهند. شیوه های تربیتی به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها که تعاملات والد - کودک را در طول دامنهی گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می آورد. شیوه های تربیتی یک عامل تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب شناسی روانی و عزت نفس فرزندان بازی می کند. بحث در مورد هریک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش ها، رفتارها و شیوه های تربیتی تقریباً غیرممکن است. هرچند روانشناسان و نظریه پردازان بر نقش والدین و شیوه های تربیتی تأکید می کنند، به اعتقاد باوم ریند (۱۹۹۱) والدین استبدادی می کوشند، رفتار و نگرشهای فرزندان را بر اساس مجموعه ای از معیارها که بوسیله یک حالت سلطه مدار هدایت می شود، شکل داده و کنترل و ارزیابی کنند. اینگونه والدین شیوه محدودکننده ای را در پیش می گیرند و کودک را مجبور به پیروی از دستورات و احترام به کار و اعمال خود می کنند. و اینگونه می کوشند رفتارها و نگرش های کودک را بر اساس یک دسته از معیارهای رفتاری شکل داده و کنترل و ارزیابی کنند. معیارهایی که معمولاً مطلق بوده و قدرتی بالاتر آنها را تعیین کرده است. آنها اطاعت کردن کودک را یک حسن تلقی می کند و در مواقعی که اعمال و رفتار کودک در تعارض با معیارهای رفتاری آنها قرار می گیرد از تنبیه و اعمال زور برای مهار خواسته کودک استفاده می کنند. در نتیجه کودک کمتر توانایی اظهار نظر و ابراز

وجود مخصوصاً در بین جمع و محیط های اجتماعی را پیدا می کند و این امر تاثیر منفی بر کودک دارد. در این شیوه والدین تنبیه کننده، محدود کننده و متوقع هستند، در حالی که پاسخ دهی آنها به نیازهای فرزند در حداقل میزان خود قرار دارد. اما همنوایی^۴ آنها آنقدر زیاد است که وقتی فرزندان تمایلی به اطاعت ندارند نسبت به آنها بی علاقه می دهنند حتی آنها را طرد می کنند برخورد این والدین را می توان در این جمله نشان دادن «این کار را انجام بده چون من این طور می گویم» در نتیجه تبادل و ارتباط کمی با فرزندان خود دارند و از فرزند خود انتظار دارند بدون پرسش درباره صحت و سکرمانشاه آن، حرف بزرگترها را قبول کند و هرگاه فرزند حرف والدین را بدون چون و چرا نپذیرد متوسل به زور و تنبیه خواهد شد (برجلی، ۱۳۹۵). از طرفی ادراکات والدین سخت گیر با شخصیت زدایی و اضطراب (او، همپل^۵ و مایلز^۶؛ ۲۰۰۳) اسنادهای ناکارآمد (گلاسگو^۷ و همکاران، ۲۰۰۴) ارتباط دارد و این روش فرزند پروری بر تعاملات اجتماعی فرزندان اثر منفی دارد برای نمونه با استفاده از گزارشات والدین در مورد این روش تربیتی و برآورد معلمان در مورد شایستگی اجتماعی دانش آموزان در اوایل نوجوانی با پرخشگری مرتبط بوده و با گزارش معلمان در مورد پذیرش همسالان، شایستگی اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه منفی است (چن، کانگ^۸ و زو^۹؛ ۲۰۰۵). بنابراین شواهد حاکی از آن است که فرزندان دارای والدینی سخت گیر به نظر می رسد از لحاظ هیجانی سازگاری و عزت نفس کمتری دارند. در یک زمینه، تربیتی مستبدانه، که به کنترل والدین و اطاعت از والدین تاکید می کند می تواند سودمند باشد و در این اقلیت ها، این شیوه فرزند پروری (مستبدانه) به طور بالقوه کمتر مضر و بیشتر سودمند است. به علاوه، بیشتر تحقیقات فرزند پروری با سفید پوستان، خانواده های سطح متوسط و تفاوت هایی میان شیوه های اقتداری و مستبدانه انجام شده و به راحتی برای والدین فرهنگ های دیگر به کار می رود (کاپکو^{۱۰}؛ ۲۰۰۷).

از این رو هر خانواده ای شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد این شیوه ها که شیوه های تربیتی نامیده می شوند، شیوه های تربیتی به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها که تعاملات والد - کودک را در طول دامنه ای گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند و فرض شده است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می آورد. شیوه های تربیتی یک عامل تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان بازی می کند. بحث در مورد هریک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش ها، رفتارها و شیوه های تربیتی تقریباً غیرممکن است. هرچند روانشناسان و نظریه پردازان بر نقش والدین و شیوه های تربیتی تأکید می کنند، تحقیقات خیلی کمی در مورد شیوه های تربیتی و آسیب شناسی روانی کودک به عمل آمده است (مهرابی، نجاریان و بحرینی، ۱۳۹۸). والدین از عوامل مهمی هستند که به فرزندان کمک می کنند تا از عهده ای آن چه که لازمه ی مستقل شدن است برآیند و تبدیل به بزرگسالی توانا، متکی به خود

^۱-conformity

^۲-uwe, W.

^۳-Hempel, s.

^۴-Miles, J. N. V.

^۵-Glasgow, K. L

^۶-chen, x.

^۷-Dong, Q.

^۸-Zhou, H.

^۹-Kopko, K.

دارای تصویر مثبت از خود شوند. والدین برای بدست گرفتن ابتکار عمل و انجام وظیفه لزوماً اطلاعات خود را هر روز باید غنی تر کنند تا بتوانند بر کودکان خود مؤثر واقع شوند. پژوهشگران معتقدند رابطه های والد فرزندی بر جهت یابی های تشخیص و رشد نیازهای روان شناختی و سایر خصوصیات فردی تاثیر می گذارد و شیوه های تربیتی والدین در برگیرنده ی الگوهای گسترده ای از تربیت کودک و ارزش ها و رفتارهای خاص تربیتی والدین است که در رشد و شکوفایی فرزندان و هم چنین طرز رفتار فرزندان نفوذ فراوانی دارند.

منابع و مآخذ:

- آجیل چی، بیتا. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش مهارت های تربیتی در کاهش تنیدگی مادران و فرزندان و افزایش حرمت خود کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- غیبی، معصومه. (۱۳۹۸). رابطه بین سبک های یادگیری و سبک زندگی در دانشجویان دوره کارشناسی گروه های تحصیلی (علوم انسانی، فنی-مهندسی و علوم پایه) دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- عاشوری، جمال. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط سبک زندگی، تفکر انتقادی، شیوه های تفکر و مهارت های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان دوره بیست و دوم، شماره ۳، صفحات ۳۵ تا ۳۸.
- ابراهیمی گلشن، گلرخ. (۱۴۰۰). خصوصیات روش های تربیت فرزند والدین از دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهرستان های شیراز. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه شیراز
- احدی، حسن، جمهوری، فرهاد. (۱۳۹۸). روانشناسی رشد. تهران. نشر پردیس.
- همتی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آموزش مهارت های فرزند پروری بر سبک زندگی، افسردگی و ارتقاء مهارت های فرزند پروری دانش آموزان راهنمایی محروم از پدر، پایان نامه کارشناسی ارشد، منتشر شده، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- کنعانی زاده، ماجد؛ شهریار شهریوی و سلوه موحد. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش مهارت های فرزند پروری بر خودکار آمدی دانشجویان دانشگاه پیام نور شادگان، *اولین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی*، شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان،
- ستاری سفیدان جدید، کاظم؛ احمد برجعلی و حمید پورشریفی. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی آموزش مهارت های فرزند پروری بر افزایش مؤلفه های امید، تاب آوری و سبک زندگی سرمایه های روان شناختی فرزندان جانباز، *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، بصورت الکترونیکی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار،
- خوش نظری، صدیقه، حسینی، محمدعلی، فلاحتی خشکناز، مسعود، بخشی، عنایت اله. (۱۳۹۴). تاثیر آموزش مهارت های فرزند پروری بر تاب آوری پرستاران بخش های روان پزشکی، نشریه روان پرستاری، سال سوم، شماره ۴
- حریری، فاطمه. (۱۳۹۶). مقایسه ی احساس گناه، بلوغ اجتماعی و مسئولیت پذیری بین نوجوانان بزهکار و عادی شهر اهواز. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

سهیلی، هرمز. (۱۳۹۷). رابطه ی خود شکوفایی با مسئولیت پذیری، جایگاه مهار و خلاقیت در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات اهواز. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

کردلو، منیژه. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیرین وجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه. مجلات روان شناسی و علوم تربیتی، رشد مدرسه، شماره ۱۳، صفحات ۴ تا ۱۱

یونسی، فلورا، معین، لادن، شمشیری نیا، ترلان. (۱۳۸۹). مقایسه ی سلامت روان، عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی خانواده های طلاق و عادی، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره دوم

اسدی، بختیار. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط مهارت های فرزند پروری و هوش متعارف با سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، همایش سلامت روانشناختی، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه،

حامدی، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی پیش بینی کننده ی حالت فراشناختی و سبک زندگی در تبیین اضطراب امتحان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

رزمی، شهریار و نعمتی سوگلی تپه، فاطمه. (۱۳۹۷). نقش تعدیل کننده خودکارآمدی در رابطه بین استرس شغلی با سلامت روانی و رضایت شغلی کارکنان بانک صادرات تبریز. فصلنامه سلامت کار ایران، ۵۷، ۲-۶۵.

رضایی نسب، اعظم. (۱۳۹۸). بررسی رابطه ی بین باورهای هوشی و سبک زندگی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ی پیش دانشگاهی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی، روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

فخری، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی نظام ارزشی باورهای سبک زندگی و سازگاری دانش آموزان دبیرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.

غیبی، معصومه. (۱۳۹۸). رابطه بین سبک های یادگیری و سبک زندگی در دانشجویان دوره کارشناسی گروه های تحصیلی (علوم انسانی، فنی-مهندسی و علوم پایه) دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

ملکی، بهنام، محمدزاده، حسن، قوامی، اکبر. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر آموزش مهارت های فرزند پروری بر پرخاشگری، استرس و بهزیستی روانشناختی ورزشکاران نخبه، نشریه رفتار حرکتی، سال چهارم، شماره ۱۱.

شمسیان، محمد؛ احسان فرهادی شوربلاغی و حسین ابوذری، (۱۳۹۸)، اثربخشی آموزش مهارت های فرزند پروری بر بهزیستی ذهنی و مهارت های فرزند پروری مردان معتاد شهر یزد، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین،

Bandura, A. (2001). Self- efficacy: toward a unifying theory of behavioral. Psychological review, 84(2), 191- 215.

adler, J (2012). Buiding capacity of teachers/Facilitators in Technology-Pedagogy Integration for Improved – Teaching and Learning. Bangkok: UNESCO.

Martin, V. C. (2013). *Goal theory, motivation and school achievement: An Integrative Review*. Annual Review of Psychology, 51, 171-200.

Bandura, A., & Schuk, D. H. (2012). Cultivating competence, self-efficacy and intrinsic interest through proximal self motivation. *J Pers & Psychology*, 41(3), 586- 598.

Zimmerman, B. J. (2015). Attaining self-regulation: A social cognitive perspective. In M. Boekaerts, P. R.

Morrison, J. L. (2014). E-learning & educational transmission: An interview with Greg Preist in Technology Source.

Asen, G. (2015) *mindfulness, and perceived threat as predictors of posttraumatic stress Disorder After Exposure to a Terrorist Attack: A prospective study. Psychosomatic Medicine* ۶۸:۹۰۴-۹۹۹.

Adams, David. (2011). Analysis of life Satisfaction Index, *Journal of gerontology*. 24: 470-۴۷۴.

Crnin.M.E. (2006), *Life skills curricula for students with learning disabilities*. Journal of learning disabilities.

Conner, K.,M. Davidson, j.R.T. (2003). *Development of a new resilience scale: The Conner – Davidson Resilience scale (CD-RISC) Depression and Anxiety*. 18,76-82.

Cohen, A. B. (2012). *The importance of spirituality in well-being for Jews and Christians*. Journal of Happiness Studies, 3, 287-310.

- Coruh, B.; Ayele, H.; Pugh, M. Mulligan, T. (2015). *Does religious activity improve health outcomes? a critical review of the recent literature*. Explore; 1(3), 186-191.

Davydov, D.M., Stewart, R., Ritchie, R., & Chaudieu, I. (2010). Resilience and mental health. *Clinical psychology Review*, 30,479- 425.

Diener, E. D. Emmons, R., Larsen, R., Griffin,s. (1985). *The Satisfaction With Life Scale*. Journal of personality Assessment, 1, 71-75.

Stein M. (2016). The relationship between post-natal depression and mother – child interaction. *British Journal of Psychiatry*; 158: 46 -52.

Coetzee, L.J, Clarke, L., Ukgerer. J.A. (2011). children,s drawing provid a new prespective on teacher – child relation quality and school adjustment. Australia Macguarie university. *Early childhood Research Quarterly*. 55-71.

Gregory DA. (2018). Impulsivity control and self-regulated learning. Available from: URL; <http://www.proquest.umi.com/pq>

Reid R, Trout AL, Schartz M. Self-regulation interventions for children with attention deficit/hyperactivity disorder. *J Article Excerpt* 2005; 71: 361-77.

Diener, E. D., Scollon, C., & Lucas, R. E. (2003). *The evolving concept of subjective well-being: The multifaceted nature of happiness*. Advances in cell Aging and Gerontology, 15, ۱۸۷-۲۱۹.